

--- پاورقی ---

- ۱- در زمان خود امام حسن برخی اعتراض می کردند، و در زمان ائمه بعد نیز این مسأله موردبوده است.
- ۲- حج / ۳۹.
- ۳- صلح به معنی اعم، یعنی ترک جنگ است.
- ۴- احتجاج طبرسی، ج ۱ / ص ۱۰۷.
- ۵- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۷۴.
- ۶- شاید حتی غیر بالغ هم جایز است که در این جهاد شرکت کنند.
- ۷- مسالک الافهام، ج ۱ / ص ۱۱۶.
- ۸- اشاره به آن داستان است که به حاجی کلباسی گفتند فلان خانه را نیمه شب دزد زده است، گفت پس آن دزدکی نماز شب را خوانده است؟!.
- ۹- حجرات / ۹.
- ۱۰- این جور نیست که جنگ واجب است و صلح همیشه حرام. نه، صلح جایز است، و بلکه شهید می گوید این «جایز» که اینجا می گویند نه معنایش این است که اگر هم نکردید نکردید، جایز است یعنی حرام نیست، که در بعضی موارد واجب می شود.
- ۱۱- در قدیم بر اساس کمیت محاسبه می شد، ولی امروز قدرت بر اساس عدد محاسبه نمی شود، بر اساس های دیگر است.
- ۱۲- «ویح» همان وای است که ما می گوییم اما «وای» در حال خوش و بش. در عربی یک «ویل» داریم و یک «ویح»، ما در فارسی کلمه ای بجای «ویح» نداریم. وقتی می گویند «ویلک»، این در مقام تندی و شدت است. وقتی می گویند «ویحک»، این در مقام خوش و بش و مهربانی است.
- ۱۳- بقره / ۱۹۰.
- ۱۴- انفال / ۶۱.
- ۱۵- نساء / ۱۲۸.
- ۱۶- حالا من کار ندارم که در این جهت تفاوتی هست که امام حسین معترض بر حق بود و امام حسن امام برحق و معترضش معترض باطل، را از نظر اجتماعی عرض می کنم.

۱۷- که به حق هم شورش کرده بودند، یعنی اعتراضهایشان همه بجا بود (سنی‌ها هم اکنون قبول دارند که معترضین به عثمان اعتراضهایشان بجا بود) و لهذا علی (ع) در دوره خلافتش هم اینها را گرامی می‌داشت. در میان معترضین و قتله عثمان افرادی مثل محمد بن ابی‌بکر و مالک اشتر بودند، و اینها بعدها از خواص و از خصیین امیرالمؤمنین شدند چنانکه قبل از آن هم بودند.

۱۸- نهج البلاغه، خطبه ۲۴۰

۱۹- تاریخ طبری، ج ۷ ص ۲۰۰

۲۰- قید کردند که معاویه هیچگاه توقع نداشته باشد که امام حسن او را «یا امیرالمؤمنین» خطاب کند.

۲۱- تعبیر اینجا «حکومت» است که این، تعبیر فارسی آن است ولی عبارت عربی «تسلیم امر» است، یعنی کار به او واگذار می‌شود.

۲۲- نهج البلاغه، خطبه ۷۴.

۲۳- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۸۲.

۲۴- از نظر تاریخ عرض می‌کنیم والا از نظر امامت که ما نمی‌توانیم تفکیک کنیم.